



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

نگاهی به دیپلماسی انرژی روسیه

پژوهش
خبری
معاونت سیاسی
صدا و سیما

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: علی ظریف

۲	مقدمه
۳	دیپلماسی انرژی چیست؟
۳	انتظارات از دیپلماسی انرژی
۴	اهداف راهبردی دیپلماسی انرژی روسیه
۴	دیپلماسی انرژی روسیه
۵	❖ الف) دیپلماسی انرژی روسیه در آسیا- پاسیفیک
۶	• اهداف راهبردی آسیای روسیه
۷	❖ ب) دیپلماسی انرژی روسیه در اروپا
۸	میزان وابستگی دولت‌های اروپایی به گاز روسیه
۹	نتیجه گیری



امنیت انرژی را می‌توان یکی از مهم‌ترین ابزار حفظ قدرت در جامعه امروز دانست که با ملاحظات بسیار زیاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... پیوند خورده است. پر واضح است که ضعف در تامین انرژی و عدم اطمینان نسبت به تامین آن، می‌تواند زمینه عقب‌ماندگی اقتصادی و تولیدی و به تبع آن سیاسی و اجتماعی را فراهم آورد. هر چند که در برخی از مقاطع تاریخی به دلیل سیر نزولی قیمت انرژی توجه لازم به آن نشده است. با این حال انرژی مفهومی کلیدی در سطح زندگی شهروندان محسوب می‌شود که گاه فقدان یا کمبود آن بقای یک جامعه را به خطر می‌اندازد. شاید به همین دلیل بوده است که نفت و گاز به عنوان یکی از منابع اصلی و دیرین انرژی تأثیری عمیق بر سیاست‌های جهانی داشته است.

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که عرضه و تقاضای نفت و گاز به عنوان اصلی‌ترین منابع انرژی، به هیچ وجه از محاسبات فنی- مهندسی تبعیت نمی‌کند و یک متغیر کاملاً سیاسی است. هر چند که می‌توان از معادلات ریاضی، میزان بهینه آن را تعیین کرد، ولی دولت‌ها با توجه به پیش‌بینی وضعیت سیاسی خود در آینده به تقاضا یا عرضه نفت با یک قیمت مشخص که آن هم با متغیرهای سیاسی تعیین می‌شود، می‌پردازند.

امروزه، حوزه‌های سیاست، اقتصاد و حقوق آن‌چنان به هم در آمیخته‌اند که گاه نمی‌توان مقوله انرژی را تنها از بعد حقوقی، اقتصادی یا سیاسی مورد توجه قرار داد. نکته جالب توجه این است که هر چقدر مقوله مورد بحث، مهم‌تر و حساس‌تر باشد این در هم آمیختگی بیشتر رخ می‌نماید. از آنجا که امروزه، انرژی یکی از مهم‌ترین - و به جرئت مهم‌ترین - مسئله مورد بحث جامعه جهانی است، تلاش کشورها برای کسب و حفظ امنیت انرژی خویش بسیار فراوان است و در این راستا از هیچ تلاشی - حتی جنگ - فروگذار نمی‌کنند به گونه‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران، مداخله کشورهای غربی در منطقه غرب آسیا را ناشی از وجود منابع غنی انرژی به ویژه نفت و گاز می‌دانند. در نوشتار حاضر ضمن بررسی مفهوم دیپلماسی انرژی نگاهی با دیپلماسی انرژی روسیه خواهیم داشت.

دیپلماسی انرژی چیست؟

ابزارها و شیوه‌های تأمین امنیت ملی در طی قرن بیستم و سال‌های آغازین قرن بیست و یکم دچار تحول شده است؛ چرا که استفاده از ابزار سخت‌نظامی، اولویت کاربردی خود را تا حدود زیادی از دست داده و جای خود را به ابزار نرم و مسائل سیاسی واگذار کرده است. از این رو، "دیپلماسی" نقش بسزایی در روابط بین‌الملل پیدا کرده است.

«دیپلماسی انرژی» استفاده از ابزار دیپلماتیک برای حضور در صحنه بین‌المللی و حفظ جایگاه خویش در نظام بین‌الملل است. در واقع دیپلماسی انرژی، به‌کارگیری ابزارها و دانش سیاسی در مسائل مربوط به انرژی اعم از عرضه، تقاضا، تبدیل و ... است. دیپلماسی انرژی حرکتی هدفمند، بلندمدت و دارای قوانین خاص خود بوده که در صدد ایجاد و حفظ امنیت انرژی کشور می‌باشد. برخورداری از یک چارچوب دیپلماتیک قوی و کارآمد برای هر کشور، می‌تواند زمینه موفقیت آن را در امر انرژی در فضای جهانی فراهم آورد.

دیپلماسی انرژی، به مجموعه رفتارها و تعاملاتی گفته می‌شود که یک کشور در حوزه انرژی حداقل به دو منظور در تعامل با کشورهای جهان، آن را به کار می‌برد. به عبارت دیگر دیپلماسی انرژی مجموعه‌ای از رفتارها و تعاملاتی است که یک کشور با جامعه جهانی برای پیشبرد حداقل دو هدف از آن استفاده می‌کند. این دو هدف یکی به حوزه انرژی و دیگری به حوزه امنیت ملی یا منافع ملی کشور باز می‌گردد. دیپلماسی انرژی مبتنی بر دیپلماسی کنش‌مند و مستلزم تعامل با دیگر بازیگران برای دستورالعمل‌سازی، تعریف بازی جدید در زمینه تأمین امنیت انرژی فراگیر و تدوین قواعد رفتاری جهانی در بخش انرژی است. به این دلیل که دیپلماسی امروز از حالت امنیتی-سیاسی به دیپلماسی اقتصادی-سیاسی تبدیل شده است بر هماهنگی و هدفمند بودن دستگاه دیپلماسی و اقتصادی تأکید بیشتری وجود دارد. چرا که قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد و ضریب اعتبار و امنیت کشورها را افزایش می‌دهد.^۱

انتظارات از دیپلماسی انرژی

آنچه را که می‌توان از دیپلماسی انرژی انتظار داشت عبارت است از:^۲

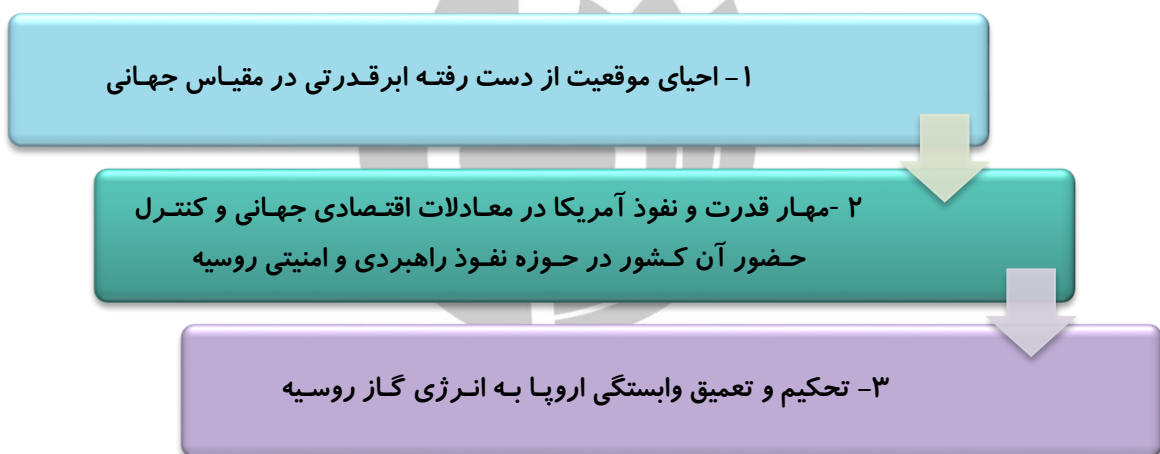
۱. نوروزی، محمد، «دیپلماسی انرژی در جمهوری اسلامی ایران»، سایت مطالعات سیاستی نفت و گاز، ۲۰/۰۷/۲۰۱۴.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، مهر ۱۳۸۹، «دیپلماسی انرژی و تاثیرگذاری در معادلات بین‌المللی».



معاونت سیاسی
صدا و سیما

اهداف راهبردی دیپلماسی انرژی روسیه



دیپلماسی انرژی روسیه

فدراسیون روسیه از جمله کشورهایی است که توانسته، نقش نفت و گاز را به عنوان یک ابزار در سیاست خارجی خویش به خوبی نهادینه کند. ابزار انرژی، کارکرد مشخصی در سیاست خارجی روسیه دارد و این کشور به‌ویژه در دوران "ولادیمیر پوتین" توانسته است تا با همگرایی اقتصادی که محور آن نیز بر انرژی قرار دارد، مدل جدیدی از یک قدرت جهانی معرفی کند. رهبران روسیه می‌دانند که به واسطه پتانسیل بالای منابع نفت و گاز در این کشور، می‌توانند از آن به عنوان یک عنصر تأثیرگذار در اعمال نفوذ خود بر کشورهای که مصرف‌کننده انرژی روسیه هستند، استفاده کنند. به عبارت دقیق‌تر روسیه با چرخش تدریجی از ایدئولوژی به ژئواکونومی، تلاش کرده تا با بهره‌گیری از ذخایر بسیار سرشار

انرژی هیدروکربنی و نیز سلطه بر شاهراه‌های خطوط انتقال انرژی، نقش یک امپراتوری نفتی که قادر است نفت و گاز را به میزان بسیاری در جهان عرضه کند، ایفا نماید.

دیپلماسی انرژی این ابزار را در اختیار روسیه قرار داده که بتواند با استفاده از اهمیت روزافزون انرژی در ساختار اقتصادی جهان، چانه‌زنی برای دستیابی به اهداف و منافع ملی این کشور را پیش ببرد. با توجه به دو مورد فوق می‌توان گفت که دیپلماسی انرژی به ایجاد فرصت‌های تعامل بین‌المللی در جهت حداکثرسازی منافع ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک کشورهای مربوط کمک کرده و اغلب کشورها تلاش می‌کنند با تکیه بر ابزار انرژی در جهت کاهش تهدیدات بین‌المللی گام بردارند.^۱

روسیه با داشتن بیشترین ذخایر گاز طبیعی جهان و برخورداری از یک شبکه گسترده داخلی و خارجی توزیع و برنامه تولید و انتقال گسترده این حامل انرژی به اروپا و آسیا از مزیت نسبی قابل ملاحظه‌ای نسبت به رقبای خود در منطقه برخوردار است. استراتژی تأسیس خطوط لوله متعدد با هدف گسترش و تنوع بخشی به کانال‌های تأمین گاز طبیعی مورد نیاز اروپا از سال ۱۹۹۷ به این سو با جدیت کامل از سوی روسیه دنبال شده و حاصل آن شبکه‌ای از خطوط لوله است که گاز روسیه را به بیش از ۲۰ کشور جهان از جمله ۱۸ کشور اروپایی صادر می‌کند.^۲



❖ الف) دیپلماسی انرژی روسیه در آسیا-پاسفیک

روسیه دارای ظرفیت‌های بسیار قابل توجهی در مناطق شرقی خویشتن برای صادرات انرژی به آسیا دارد. مجموع کل ذخایر انرژی روسیه در شرق سیبری و شرق دور روسیه در حدود ۵ تریلیون فوت معکب می‌شود. این ذخایر بزرگ، فرصت بزرگی به روسیه می‌دهد تا تأمین‌کننده انرژی منطقه آسیا-پاسفیک باشد. منطقه‌ای که بزرگ‌ترین کشورهای مصرف‌کننده "آل ان جی" و دو مورد از سریع‌ترین اقتصادهای رو به رشد جهان را در خود جای داده است. ظهور آسیا به همراه تغییر ثقل اقتصاد جهانی از غرب به شرق و ضرورت‌های اقتصادی برای توسعه سیبری و سرزمین‌های شرق دور خویشتن سبب شده تا مسکو در سال‌های اخیر به منظور اثبات مدعا و جایگاه خویشتن نه تنها به عنوان یک قدرت اروپایی، بلکه به مثابه یک قدرت بزرگ آسیایی بر این منطقه تمرکز کند. برای نیل به این هدف، کرملین اصولی را در سیاست آسیایی خود مورد توجه قرار داده است که عبارتند از:^۳

۱. شهابی، سهراب و همکاران، ۱۳۹۲، «دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و مجمع کشورهای صادرکننده گاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۱، ص ۱۲۷.

۲. فرجی راد، عبدالرضا. صالحی دولت‌آباد، روح‌اله، ۱۳۹۶، «اهمیت نقش انرژی در سیاست خارجی روسیه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۸، ص ۳۹.

۳. کریمی پور، داود و همکاران، ۱۳۹۶، «دیپلماسی انرژی روسیه در منطقه آسیا-پاسفیک»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ش ۲۳، ص ۱۶۳.

۱- مخالفت با قواعد بازی حاصل جمع صفر و پایبندی به فرمول توازن منافع

۲- کاهش پایدار تنش های بین‌المللی و عدم تشدید تقابل نظامی

۳- گسترش تقسیم‌بندی بین‌المللی کار و تجارت بین‌الملل در منطقه آسیا-پاسیفیک

۴- مشارکت گسترده در مجامع و نهادهای چندجانبه کشورها در این منطقه بدون توجه به تفاوت ها در ایدئولوژی ها و نظام های اجتماعی و اقتصادی

۵- اولویت توجه به مناطق سیبری و شرق دور روسیه که متداخل در تجارت بین‌المللی و فرایندهای همگرایی هستند.

۶- رویکرد سازنده برای حل و فصل بسترهای داغ تنش، مانند شبه جزیره کره، مسئله کامبوج و اتحاد دوباره تایوان و جمهوری خلق چین

بدون تردید مزیت نسبی روسیه در مقایسه با سایر صادرکنندگان انرژی به منطقه آسیا-پاسیفیک را باید برخوردار از قرابت جغرافیایی و ظرفیت‌های بسیار گسترده برای تأمین نیاز روزافزون این کشورها دانست که سبب شده تا مسکو بیش از پیش نسبت به استفاده از اهرم انرژی در تعامل خود با کشورهای این منطقه توجه داشته باشد. در منطقه آسیا-پاسیفیک، ژاپن، چین، کره جنوبی و هند خریداران بزرگ نفت، گاز و تجهیزات دفاعی روسیه هستند و مسکو می‌کوشد تا حجم تجارت و صادرات خود را با این شرکای بزرگ افزایش دهد.

• اهداف راهبرد آسیایی روسیه

در این میان، راهبرد آسیایی روسیه دارای سه هدف کلیدی است:

۱- سرعت بخشیدن به توسعه مناطق شرق دور خویش از طریق همگرایی با منطقه آسیا-پاسیفیک

۲- ارتقای جایگاه روسیه در منطقه آسیا-پاسیفیک مبتنی بر همکاری نزدیک با چین و متنوع سازی مشارکت اقتصادی

۳- گسترش پیوندهای اقتصادی، تجاری و راهبردی با اعضای آسه آن از طریق ویتنام و لائوس، همچنین پیگیری چینش های چندجانبه از طریق اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای

منافع ملی روسیه در منطقه آسیا-پاسفیک از حیث اقتصادی را می‌توان دستیابی به نتایج محسوس، سریع و کمی در توسعه منطقه سیبری و شرق دور، متنوع سازی همکاری اقتصادی با کشورهای این منطقه که می‌تواند به حضور اقتصادی روسیه در این منطقه عمق و سطح ببخشد و نقش روسیه را در ایجاد منطقه آسیا-پاسفیک به عنوان یک درگاه جهانی اقتصاد ارتقا دهد، دانست. در عرصه سیاسی نیز برقراری صلح و ثبات منطقه‌ای که امنیت مرزهای شرق دور روسیه را نیز در بر می‌گیرد به عنوان پیش شرط حفظ رشد اقتصادی بالا، حمایت از روندهای چندمرکزی^۱ برای ایجاد یک معماری امنیتی و همکاری جدید در آسیا-پاسفیک، مقابله با تشدید یا گسترش بالقوه منازعات، قطبی شدن نیروها در منطقه با توجه به افزایش رقابت چین و آمریکا و تقویت همکاری‌ها با دولت‌های منطقه از جمله منافع ملی روسیه در این منطقه است.^۲

❖ (ب) دیپلماسی انرژی روسیه در اروپا

در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱، کمیسیون اروپا و دولت روسیه مقرر کردند که چشم اندازی بلندمدت در خصوص روابط دوجانبه خود در حوزه انرژی تعریف نمایند. بر اساس سند مربوط موسوم به «نقشه راه همکاری اتحادیه اروپا - روسیه در حوزه انرژی تا سال ۲۰۵۰» تحلیل سناریوهای جداگانه و تأثیر آنها بر روابط اتحادیه اروپا و روسیه در حوزه‌های انرژی، پیامدهایی که این سناریوها برای بخش انرژی در پی خواهند داشت، مخاطرات و فرصت‌های وضعیت عرضه و تقاضای انرژی در درازمدت و نیز ظرفیت همکاری‌های بلندمدت در حوزه انرژی در دستور کار مطالعه قرار گرفت. در سند فوق این باور مطرح شده است که بازارهای انرژی بیش از پیش به هم وابسته، جهانی و پیچیده شده و پیش بینی آن دشوارتر می‌گردد. از این‌رو، هدف، حصول به سطح تحمل‌پذیر عدم قطعیت در زمینه توسعه آتی روابط متقابلاً سودمند روسیه - اتحادیه اروپا در حوزه انرژی است.^۳

روابط اقتصادی روسیه و اتحادیه اروپا برای هر دو طرف اهمیت راهبردی دارد. اروپا به انرژی روسیه نیاز جدی دارد و بازار دولت‌های عضو اتحادیه اروپا منبع اصلی درآمد روسیه به شمار می‌روند. از این‌رو، کرملین در صدد تقویت توسعه گازپروم در بازارهای اروپا است و تحقق این هدف را با ابزارهای مختلف دنبال می‌نماید. مسکو برقراری ارتباط با دولت‌های عضو اتحادیه اروپا را به صورت جداگانه ترجیح می‌دهد نه گروهی. زیرا با این کار می‌تواند، قیمت‌های متفاوتی به مشتریان خود عرضه و قیمت انرژی با هر کشور را با توجه به توان پرداخت آن کشور تعیین کند. روسیه با این قراردادها سعی کرده تلاش‌های غرب را برای سیاست‌های انرژی این کشور در عرضه گاز به اروپا از طریق احداث خطوط لوله جدید از جمله خط لوله «تاباکو» خنثی کند.

روسیه با انعقاد قراردادهای بلندمدت با مشتریان اروپایی در صدد حفظ بازارهای خود در اتحادیه اروپا است. گازپروم به دنبال دسترسی به مشتری قطعی است و بنابراین قراردادهای بلندمدت، حاشیه امنیت این شرکت را افزایش داده و در نتیجه سرمایه‌گذاری بیشتری در طرح‌های کلان حفاری انجام می‌دهد. ابزار دوم روسیه، تاسیس شرکت‌های مشترک است. روسیه سهمیه شدن در طرح‌های راهبردی خود را تنها در صورتی به بزرگترین شرکت‌های انرژی اروپایی واگذار می‌کند که آنها وارد همکاری مشترک با گازپروم شوند. البته روسیه از این طریق به فناوری‌های پیشرفته که برای

^۱ polycentric trends

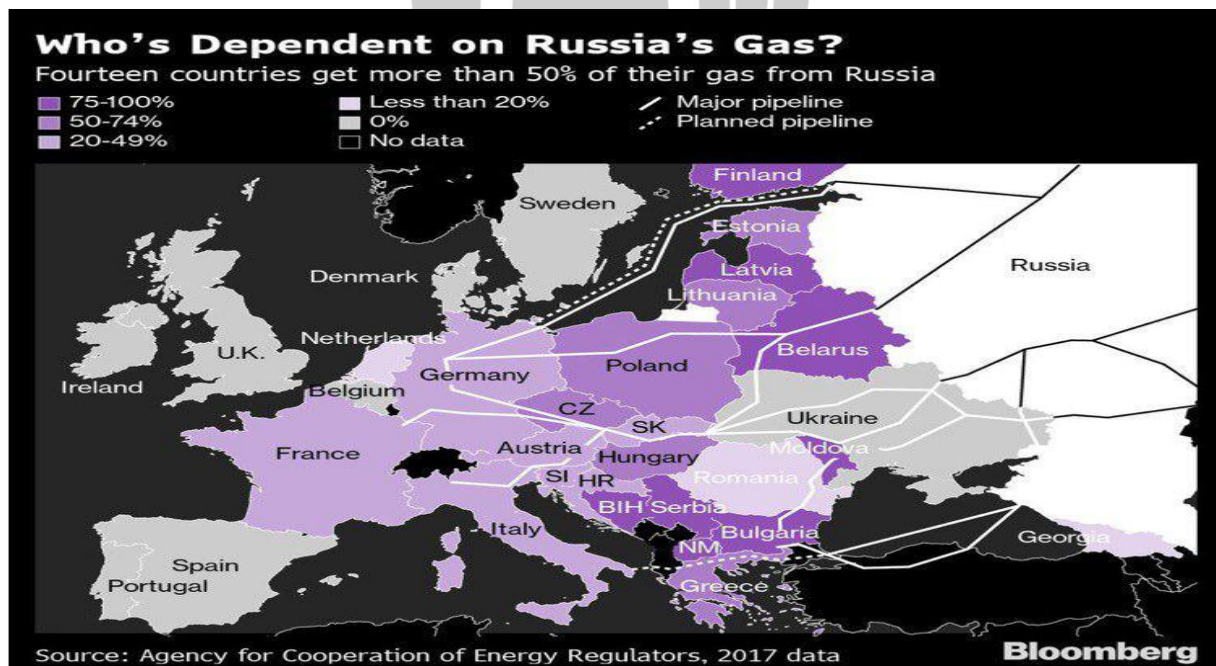
^۲ کریمی پور، داود و همکاران، ۱۳۹۶، «دیپلماسی انرژی روسیه در منطقه آسیا-پاسفیک»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ش ۲۳، ص ۱۶۴.

^۳ ایلخانی پور، علی، بهرامی، سمیه، ۱۳۹۲، «تأثیر عامل انرژی بر روابط روسیه و اتحادیه اروپا»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۸۱، ص ۳۹.

حفراری در اعماق زیاد و حوزه‌های ساحلی و فرآوری گاز مایع نیاز است نیز دسترسی پیدا می‌کند. یکی دیگر از اهداف روسیه، تبادل همکاری با شرکت‌های انرژی غربی در طرح‌های مشترک با هدف بازکردن بازارهای اروپا و حضور فزاینده خود در این بازارها است، و با دسترسی به شبکه‌های توزیع و خطوط انتقال درصدد به دست آوردن کنترل مستقیم بر بازار اروپا است.^۱

مؤسسه "پلاتس" طی گزارشی به بررسی شرایط حضور و فعالیت روسیه در بازار گازی اروپا می‌پردازد؛ طبق بررسی‌های انجام شده شرکت "گازپروم" روسیه برای صادرات حدود ۲۰۰ میلیارد متر مکعب گاز در سال به اروپا و ترکیه برای دهه آتی برنامه‌ریزی کرده است و قصد دارد تا حدود ۳۵ درصد از سهم بازار اروپا را در اختیار داشته باشد. مجموع میزان عرضه این شرکت (گازپروم) به خارج - (Far Abroad) یعنی اروپا و ترکیه منهای کشورهای شوروی سابق - در سال گذشته میلادی ۱۹۹,۳ میلیارد متر مکعب با کاهش کمی نسبت به ۲۰۱۸ میلادی ارزیابی شد. گازپروم در این باره توضیح می‌دهد که باوجود افزایش عرضه LNG به اروپا، این شرکت موقعیت پیش‌تاز خود را در بازار اروپا در سال ۲۰۱۹ میلادی با در اختیار داشتن ۳۶ درصد سهم بازار، با وجود تأکید سیاست انرژی اروپا در مورد متنوع سازی واردات گاز، حفظ کرده است. طبق بررسی مؤسسه پلاتس، ۲۱ درصد از سهم بازار اروپا به LNG اختصاص دارد. گازپروم در بخش دیگری از عملکرد خود در بازار گازی اروپا توضیح می‌دهد که پروژه‌های جهانی LNG در ۲۰۲۰ میلادی ممکن است تحت تأثیر شرایط نامطلوب اقتصادی قرار بگیرند. با در نظر گرفتن کمترین سطح قیمت‌های LNG در طی ۱۰ سال گذشته در زمستان، این قیمت‌ها برای محموله‌های وارداتی از ساحل آتلانتیک حتی هزینه‌های حاشیه‌ای کوتاه مدت را نیز پوشش نمی‌دهند. انتظار می‌رود در ۲۰۲۰ میلادی میزان ظرفیت بهینه نشده تولید LNG افزایش یابد.^۲

میزان وابستگی دولت‌های اروپایی به گاز روسیه



۱. فرجی راد، عبدالرضا، صالحی دولت آباد، روح اله، همان، ص ۴۹.

۲. وابستگی ۳۵ درصدی قاره سبز به گاز روسیه، اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۸/۱۱/۲۸.

نتیجه گیری

با توجه به اهمیت انرژی در دنیای امروز، کشورها می‌کوشند با روش‌های گوناگون به امر کسب، تثبیت و حفظ امنیت انرژی خویش بپردازند. وابستگی مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی با یکدیگر منجر به مطرح شدن مفهوم جدیدی به نام دیپلماسی انرژی شده است. دیپلماسی انرژی، به کارگیری ابزارهای دیپلماتیک و ایجاد بسترهای تعاملی در حوزه مسائل مربوط به انرژی است.

دیپلماسی انرژی روسیه با رویکرد همگرایی منطقه‌ای در آسیا-پاسیفیک، اهداف چندگانه‌ای را دنبال می‌کند. منافع اقتصادی مسکو در کنار نگرانی‌های امنیتی این کشور که در نتیجه عدم توسعه یافتگی شرق دور این کشور، روسیه را تهدید می‌کند، سبب شده تا دیپلماسی انرژی، به عنوان محور اصلی سیاست خارجی این کشور در این منطقه آسیا-پاسیفیک باشد. این سیاست همچنین به روسیه امکان می‌دهد حضور سیاسی پررنگ‌تری در شرق آسیا داشته باشد و مسکو با در دست گرفتن ابتکار عمل نقش میانجی را در بحران شبه جزیره کره، اختلاف میان هند و پاکستان و سایر تنش‌های موجود در این منطقه ایفا کند.

از سوی دیگر نباید از این مهم غافل شد که روسیه از یک سو تلاش می‌کند تا با حضور پر رنگ در بازار انرژی این منطقه، عرصه را برای طرح‌های انرژی آمریکا تنگ کرده و با ایجاد همگرایی هرچه بیشتر با کشورهای این منطقه برای خود فرصت ایجاد کرده و امکان نقش آفرینی را برای آمریکایی‌ها به حداقل برساند. از طرفی، پس از اعمال تحریم‌های گسترده غرب علیه روسیه در نتیجه بحران اوکراین، مسکو، آسیا-پاسیفیک را به مثابه یک فضای مناسب اقتصادی تلقی می‌کند که می‌تواند با توسعه همکاری‌های اقتصادی، پیامدهای منفی تحریم‌ها علیه خویش را بکاهد و در برابر فشارهای غرب ایستادگی کند.

با اینکه سیاست‌های انرژی اتحادیه اروپا و روسیه در مجموع متفاوت است اما حوزه‌هایی وجود دارد که منجر به همگرایی آنها شده است. روسیه به دنبال توسعه بازار خود در اروپا، افزایش وابستگی کشورهای اروپایی به گاز روسیه و کنترل انحصاری بازار گاز و نفت اروپا است. در مقابل، اتحادیه اروپا هم در پی تنوع بخشی به منابع انرژی وارداتی و همچنین ایجاد بازار واحد یکپارچه انرژی است. بنابراین اشتراک منافع دوجانبه به وجود آمده است که بدون همکاری گسترده و عمیق، قابل حصول نیست. بر این اساس، نقشه راه همکاری اتحادیه اروپا و روسیه بر پایه تعهد دو طرف به همکاری راهبردی درازمدت در حوزه انرژی قرار گرفته است.

هر چند رابطه روسیه و اتحادیه اروپا در حوزه انرژی با عنوان "وابستگی متقابل" یا "وابستگی متقابل نامتقارن" توصیف می‌شود، اما روسیه به هیچ وجه این ایده را بر نمی‌تابد که به کشورهای یا اتحادیه‌ای به هر شیوه وابسته باشد و روسیه وضعیتی را ترجیح می‌دهد که دیگران به روسیه وابسته باشند. از سوی دیگر تضاد منافع و ارزش‌ها میان تصمیم‌سازان سیاسی و اقتصادی روسیه و اتحادیه اروپا از جمله تحولات اوکراین و الحاق کریمه به روسیه، به اتخاذ راهبردهای متفاوت در حوزه انرژی منجر شده است. تلاش روسیه برای احداث خطوط لوله جدید و توسعه شبکه انتقال گاز خود در اروپا در برابر سیاست تضمین امنیت عرضه انرژی اتحادیه اروپا (از طریق توسعه بخشیدن به منابع انرژی وارداتی اتحادیه و ایجاد بازار آزاد عرضه و تقاضا)، چشم‌انداز روابط انرژی طرفین را با پیچیدگی مواجهه کرده است.